

مقایسه دستور زبان فارسی سنتی و جدید

تاریخ دریافت مقاله: خرداد ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: تیر ۱۳۹۹

ذبیح الله مظاهری^۱، دکتر مصطفی سالاری^۲

^۱ دانشجوی دکتری، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان

^۲ استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان

نویسنده مسئول:

ذبیح الله مظاهری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چکیده

نگارش و تدوین دستور برای زبان مردم یک سرزمین، همواره مدنظر دانشمندان و ادیبان آن دیار بوده است. شاید نیاز به حفظ زبان از تأثیر زبانهای بیگانه یا فراگیری آن به خاطر رسیدن به مناصب دیوانی و اداری حکومت به دلیل وجود رسمیت آن زبان در دستگاه، از مهمترین دلایل تدوین قواعد درست خواندن و درست نوشتن بوده است. در این پژوهش سعی بر آن است تا کنکاشی در منشأ دستور در زبان فارسی و مقایسه دستورها که هر کدام در نوع خود شاخص محسوب میشوند، انجام گیرد. این آثار با عنوان دستور سنتی و دستور جدید در زبان فارسی مطرح شده که در ادامه به آنها پرداخته و مقایسه اجمالی میان آنها انجام می شود.

کلمات کلیدی: دستور، زبان فارسی، مقایسه، سنتی، جدید.

مقدمه

معنای لغوی واژه دستور در فرهنگهای لغت به معانی گوناگون تعبیر شده است. از آن جمله: وزیر، امیر و صاحب مسند(دهخدا، ۱۳۷۷)، روش، پروانه و برنامه، فرمان، برنامه ای که برای کاری در نظر گرفته شده، روش و شیوه انجام دادن کاری، اجازه(معین، ۱۳۸۸)، و بالاخره معنایی که امروزه بعد از شنیدن واژه دستور بیش از هر چیز دیگر به ذهن مبادرت میکند: دانش بررسی ساخت، نحوه کاربرد، و روابط کلمه ها و جمله ها در یک زبان و در زبانشناسی، دانش توصیف توانش زبانی و ژرفساختی سخنگویان یک زبان(انوری، ۱۳۸۱).

علاوه بر تعریف یاد شده، تعاریف دیگری نیز برای واژه دستور وجود دارد که همگی از یک فرآیند حکایت میکنند. مجموعه ای از قواعد حاکم بر ساختمان و کارکرد آواها، کلمه ها، جمله ها و نیز چگونگی ترکیب و تعبیر آنها در یک زبان معین است. در فرهنگ لغت دهخدا ریشه واژه دستور را به این شکل بیان کرده است که: در اصل "دست و ر" بوده به معنی صاحب مسند... و دست به معنی مسند + اور = (ور) به معنای دارنده. صاحب دست یا چاربالش(دهخدا، ۱۳۷۷).

در میان آثاری که به دستور زبان فارسی پرداخته اند، قدیمیترین اثری که به دست ما رسیده، المعجم فی معاییر اشعار العجم است. شمس الدین محمد بن قیس رازی در دیباچه کتاب خود بیان میکند که: به خاطر اصرار ارباب نظم و نثر در شهر مرو اقدام به تألیف اثرش با موضوع عروض و قافیه و فن نقد اشعار فارسی میکند و بیشتر فصول و ابواب آن را در چند روز معدود مرتب گردانیده است(شمس قیس، ۱۳۳۵).

این که شمس قیس در مدت کوتاهی، المعجم را تألیف نموده حاکی از دانش و تسلط فراوان وی بر قواعد زبان فارسی و عربی است. موضوع کتاب المعجم عروض، قافیه و نقدالشعر است که در ضمن این مباحث درباره مسائل دستوری نیز نکات مهمی را ذکر میکند مانند انواع حروف که به تعبیر همایی بی اندازه در خور اهمیت است خاصه از این نظر که حالی قدیمیترین مأخذ زبان فارسی است(همایی، پیشینه دستورنویسی برای زبان فارسی).

منهاج الطلب، کهنترین دستور زبان فارسی است که توسط یک نفر چینی در حوزه چین و به زبان فارسی تألیف شده است. این کتاب به وسیله محمد بن الحکیم الزینیمی الشندونی الصینی نوشته شده است. و به اعتقاد محمدجواد شریعت، مصحح کتاب منهاج الطلب، تاکنون هیچ کتاب مستقل دستور زبان فارسی به زبان فارسی به دست ما نرسیده که از این کتاب قدیمتر باش(شریعت، کتاب منهاج الطلب).

نخستین کسی که دستور زبان فارسی را به صورت مستقل نوشته حدود دو قرن قبل از میرزا حبیب اصفهانی میزیسته و نام وی عبدالصمد زنده طاهر ملتانی، صاحب کتاب اصول فارسی است(پورجوادی، ۱۳۷۲).

دستور سنتی(تاریخی)، جدید(نوین)

الف- دستور سنتی: نخستین دستور در یونان به دست دیونی سیوس تراکیایی نوشته شد. این محقق اجزای کلام را به هشت قسمت: اسم، صفت، فعل، ضمیر، قید، حرف اضافه حرف تعریف و حرف ربط تقسیم کرد. این روش دستور نگاری و تقسیمات هشتگانه ی "دیونوستراکس" سرمشق محققان بعدی قرار گرفت. زبان شناسان به طور کلی دستور زبان هایی را که بدین شیوه تدوین شده اند دستورهای سنتی مینامند(باقری، ۲۱: ۱۳۷۷).

در این بخش از چند دستور زبان مهم سنتی که در راه پر پیچ و خم نگارش دستور زبان گامهایی برداشته اند، نام برد: ۱- دستور زبان پنج استاد ۲- خیامپور ۳- خانلری ۴- انوری، گیوی. که این دستورهای سنتی به صورت تجویزی هستند.

ب- دستور جدید: ساختاری این دستور علمی و توصیفی است نه تجویزی. دستور جدید را از این رو توصیفی مینامیم که مثل سایر علوم تجربی نمونه برداری های فراوانی از پدیده های مورد مطالعه انجام میدهد، سپس نمونه ها را در الگوهایی مرتب میکند. این طبقه بندی اساس هر علمی را تشکیل میدهد و دستور زبان نیز اگر بخواهد علمی باشد باید به این روش عمل کند، به همین دلیل چنین دستوری را توصیفی نیز می نامند. چون واقعیتهای زبان را آن چنان که هست توصیف میکند. به این دستور حاضر دستور جدید (نوین) اطلاق می شود.

۱- وحیدیان کامیار، غلامرضا عمرانی ۲- هامون سبطی ۳- خسرو فرشیدورد از دستورنویسان مهم جدید هستند که اصول کار آن ها بر پایه ی زبانشناسی جدید یا ساخت گرا است و برخلاف دستورهای سنتی توصیفی هستند.

شمار کتابهای دستور زبان فارسی متداول بالغ بر ۱۰ عنوان است، این آثار را از نظر محتوایی میتوان به سه گروه مشخص تقسیم کرد که هر گروه محاسن و معایبی دارد، این گروه ها به شرح ذیل عبارتند از :

۱- **دستور زبان سنتی:** دستور زبان پنج استاد- دستور زبان دکتر نادر وزینپور- دستور زبان دکتر خلیل رهبر و دستور زبان دکتر خانلری و دکتر طلعت بصری.

- نکات مثبت: تکیه بر شواهد شعری از متون کهن فارسی- ایجاد مهارت در تجزیه و ترکیب متون ادبی.

- نکات منفی: ناسازگاری اصطلاحات این متون با متون درسی دبیرستانی و با سایر متون دانشگاهی- تکیه بر صرف و نحو عربی- توجه نداشتن به زبان فارسی معیار.

۲- **دستور زبان گشتاری:** دستور زبان دکتر مشکوه‌الدینی- دستور زبان دکتر باطنی.

- نکات مثبت: بررسی روزآمد و علمی مقوله زبان با تکیه بر نظریه های امروزی زبان شناسان غربی.

- نکات منفی: نداشتن کارایی در درک بهتر متون ادب فارسی.

۳- **دستور زبان نوین (جدید):** دستور زبان فارسی^۱ دکتر تقی وحیدیان کامیار و غلامرضا عمرانی.

- نکات مثبت: تکیه بر زبان معیار فارسی امروز و سازگاری مطلوب با محتوای آموزش متوسطه.

- نکات منفی: توجه نداشتن به نیازهای دانشجوی زبان و ادبیات فارسی در تطبیق دستور زبان.

اختلافات دستور سنتی و جدید

توصیه اختلاف اصطلاحات دستوری در متون گوناگون با مطالعه سه گروه کتاب های دستور زبان فارسی که در بالا به آنها اشاره نمودیم، در میباییم نویسندگان این آثار بر سر مفاهیم پایه دستور زبان فارسی با یکدیگر اختلاف عقیده دارند. نمونه های از این اختلافها عبارتند از :

الف- عدم توافق در شمارش انواع کلمه، توافقی بر سر انواع واژهها در زبان فارسی وجود ندارد.

شمارش انواع کلمات در زبان فارسی در دستوره های سنتی از جمله در دستور زبان پنج استاد، اقسام کلمه در زبان فارسی ۹ نوع بر شمرده شده است که عبارتند از:

۱. اسم: شامل مقوله مضافیه، ۲. صفت، ۳. کنایات: شامل ضمیر، اسم اشاره، موصول، مبهمات، ادوات پرسش یا استفهام، ۴. فعل: شامل زمانهای فعل، اسم مصدر، اسم فاعل و صفت فاعلی، اسم مفعول، حاصل مصدر، صیغه مبالغه، صفت مشبیه، ۵. عدد، ۶. قید، ۷. حرف اضافه، ۸. حرف ربط، ۹. اصوات (قریب، ۱۳۶۳).

شمارش انواع کلمات در زبان فارسی در دستوره های تلفیقی (جدید) در دستور زبان دکتر تقی وحیدیان کامیار، انواع واژهها در چهار گروه تعریف شده است که عبارتند از :

۱. گروه فعلی، ۲. گروه اسمی شامل وابسته های اسم که خود عبارتند از: صفت، مضاف الیه، شاخص، ممیز و متمم، ۳. ضمیر، ۴. گروه قیدی (وحیدیان، ۱۳۸۶).

ب- عدم توافق در شمارش نقشهای کلمه در زبان فارسی، توافقی بر سر نقشهای کلمه وجود ندارد.

در زبان فارسی در دستوره های سنتی از جمله دستور زبان فارسی پنج استاد از نقشهای دستوری با عنوان ارکان جمله یاد شده است و عبارتند از: مسند الیه، مسند، رابطه. در این تقسیم بندی هیچ اشاره های به مفاهیمی چون مفعول و متمم و قید نشده است، ولی در بحث تجزیه و ترکیب در ترکیب جمله، این نقشها نیز حضور دارد (قریب، ۱۳۶۳: ۲۱۳).

شمارش نقشهای کلمات در زبان فارسی در دستوره های تلفیقی (جدید) در دستور زبان دکتر وحیدیان کامیار از سه بخش تشکیل میشود: گروه اسمی، گروه فعلی، گروه قیدی. در این دستور از نقشهای گروه اسمی در سه گروه کلی و ۹ زیر مجموعه، سخن به میان آمده است (وحیدیان، ۱۳۸۶: ۹۵).

۱. فعل مرکب

در دستور خانلری که دستور سنتی است فعل مرکب را اینگونه تعریف می کند: فعل مرکب به افعالی گویند که از دو کلمه مستقل ترکیب یافته اند. کلمه اول اسم یا صفت است که تغییر نمی پذیرد، صرف نمی شود و کلمه دوم فعلی است که صرف می شود که همکرد نام گرفته است (خانلری، ۱۳۷۴).

وحیدیان کامیار در دستور جدید نظر خانلری را رد می کند و می گوید: ملاک معنایی در تعریف فعل مرکب بی اعتبار است و معتقد است خانلری از معیار های زبانشناسی استفاده نکرده است و تنها از معیار معنایی بهره جسته است که از نظر زبانشناسی اعتبار ندارد (وحیدیان، ۱۳۸۶: ۱۷: ۱۸).

۲. صفت

دستور نویسان سنتی صفت را یک کلمه دانسته اند و در تعریف آن گفته اند کلمه ای است که ... بنا بر این تعریف که صفت که حالت و چگونگی شخص یا چیزی را بیان می دارد (قریب، ۱۳۶۳:۵۷).
وحیدیان کامیار در دستور جدید با گرایش ساختارگرایانه که دارد تعریفی از گونه تعریف های معنایی که در دستور سنتی وجود دارد ارائه نمی کند ایشان صفت را زیر مجموعه گروه اسمی معرفی و به عنوان وابسته اسم یاد می کند. ایشان برای اسم به عنوان هسته گروه وابسته پیشین و پسین تعیین کرده اند (وحیدیان، ۱۳۸۶:۶۹:۸۵).
دستور پنج استاد آورده که اقسام صفت بر این قرار است: فاعلی، مفعولی، تفضیلی، نسبی (قریب، ۱۳۶۳:۴۹).
وحیدیان کامیار در دستور جدید انواع صفات را به عنوان وابسته های پیشین و پسین مطرح کرده است. که از این قرار است: صفات اشاره، پرسشی، تعجبی، مبهم، شمارشی اصلی و ترتیبی نوع اول، و عالی وابسته های پیشین هستند و صفات شمارشی نوع دوم و بیانی وابسته های پسین هستند (وحیدیان، ۱۳۸۶:۷۰).

۳. قید

دستور سنتی پنج استاد قید، کلمه است که مفهوم فعل یا کلمه دیگر یا قید دیگر را به چیزی از قبیل زمان، مکان، حالت و چگونگی مقیدسازد و از ارکان اصلی جمله باشد (قریب، ۱۳۶۳:۱۸۹).
در دستور جدید فرشیدورد قید کلمه ای است که مضمون جمله یا فعل یا صفت یا قید دیگر یا گروه وصفی یا قیدی یا فعلی و یا هر کلمه دیگر به جز اسم و جانشین اسم را مقید کند و چیزی به معنای آن بیفزاید (فرشیدورد، ۱۳۸۲:۴۵۹).
تعریف فرشیدورد در دستور جدید از این جهت کامل تر است.

۴. اسم

در دستور پنج استاد اسم یا نام کلمه ای است که بدان مردم یا جانور یا چیزی را نامند و معین نمایند (قریب، ۱۳۶۳:۲۴).
در دستور وحیدیان اسم نشانه ظاهری ندارد اما اگر بتوان در نقش های نهاد، مسند، منادا، مفعول، مضاف الیه در جمله به کار برد آن اسم است (وحیدیان، ۱۳۸۶:۶۷:۶۸).
تعریف پنج استاد صرفا با توجه به عامل معنایی و تاحدود زیادی گمراه کننده و نادرست است. همانا در می یابیم دستور سنتی از یک سو زیر نفوذ صرف و نحو عربی هستند و از سوی دیگر از دستور سنتی فرانسه تقلید کرده اند. اما دستور نویسان جدید دستور سنتی را که به عامل معنایی توجه می کنند سرزنش می کنند و اسم را به خودی خود و مستقل اسم نمی دانند و آنرا مرتبط با دیگر مفاهیم می دانند.
دستور سنتی پنج استاد حالات اسم را چهار نوع فاعلی، مفعولی، اضافه و ندا می داند (قریب، ۱۳۸۵:۴).
فرشیدورد در دستور جدید حالات اسمی را یازده مورد می داند (فرشیدورد، ۱۳۸۲:۲۰۹).
پس پرواضح است اختلاف دستور سنتی و جدید بر سر حالات اسم هم هست و می توان از خلط حالت دستوری و نقش دستوری نشئت گیرد.

مشابهت های دستور سنتی و جدید

۱. ساختمان فعل:

در دستور سنتی خانلری ساختمان فعل به ساده، پیشوندی و مرکب تقسیم می شود (خانلری، ۱۳۷۷:۱۷۶).
در دستور جدید وحیدیان فعل از نظر اجزا تشکیل دهنده سه نوع ساده، پیشوندی، مرکب است (وحیدیان، ۱۳۸۶:۵۶).
در نتیجه از نظر ساختمان فعل هر دو دستور سنتی و جدید هم نظر هستند و اختلاف مربوط به تقسیم بندی آن است.

۲. فعل دووجهی:

در دستور های سنتی پنج استاد و خانلری چنین افعالی را که گاه به صورت متعدی و گاه به صورت لازم به کار می رود دو وجهی نامیده اند.
وحیدیان کامیار نیز در دستور جدید فعلهایی را که بدون تغییر به دو صورت گذرا و ناگذر به کار می روند دووجهی اطلاق کرده و نامیده است.
یکی از ویژگیهای فعل در دستور سنتی، لازم و متعدی بودن افعال است که در دستور جدید از آن با نامهای ناگذر و گذرا یاد شده است.

۳. تکواژ میانجی:

تکواژی است که به هنگام وندافزایی یا دو واژه به منظور جلوگیری از مجاورت دو واکه ظاهر می شود هیچ کدام از دستور های سنتی پنج استاد، خیامپور، خانلری و دستور های جدید وحیدیان کامیار، فرشیدورد به تکواژ میانجی قائل نیستند و هر دو گروه سنتی و جدید فهرست تکواژگونه های جمع ساز فارسی را به ها، ان، یان، وان، ات، جات، بات، گان، کان افزایش داده اند، درحالی که با پذیرش تکواژ میانجی به عنوان تکواژی که از مجاورت دو واکه جلوگیری می کند، می توانستند این فهرست را به ها، ان، ات کاهش دهند.

نتیجه گیری

یکی از گسسته های معنایی در فرایند تاریخی دستور زبان، پیدایش دستورهایی در دوران معاصر است که مبتنی بر نظریه های زبانشناسی بنا شده است و کتابهای دستورزبان پیش از خود را سنتی و غیرعلمی می دانند. این گمان زمانی پدید می آید که برخی از دستورنویسان جدید، دستور قدیم را به دلیل نداشتن چهارچوبهای نظری، غیرعلمی میدانند و به باطل بودن تجربه گذشته حکم می کنند. در حالی که مطالعه منصفانه کتابهای دستور سنتی و جدید نشان می دهد وجوه اشتراک آنها بسیار زیادتر از اختلاف های این دو گروه است و به این ترتیب این جنجال علیه دستورهای سنتی و اختلافشان با دستور جدید، بیش از هر چیز، حاصل کمبود حافظه تاریخی دستور زبان در حوزه پژوهشهای زبانی است.

دستورهای سنتی از آنجا که از اصول و معیار خاصی در نگرش به زبان برخوردار نیستند، اغلب توصیفاتشان ها نارسا و مبهم است. این گره به تدریج در دستورهای جدید رو به گشایش است.

غالباً مراد دستورنویسان زبان فارسی از دستور، همان دیدگاه سنتی؛ یعنی صرف و نحو زبان است. مسلم است که هر فارسی زبان به دانش زبانی فارسی مجهز است، بنابراین قرار نیست که از طریق دستورنامه های زبان فارسی، دستور زبان مادری را به وی بیاموزیم. وبدان معناست که دستورنویس باید با مطالعه علمی قواعد دستوری را کشف کند و بصورت نظام مند ارائه دهد. چنین رویه ای خط بطلانی است بر دستور های سنتی تجویزی که هدف آنها تجویز درست نوشتن و درست گفتن است. حال آنکه در رویکردهای نوین، به پیروی از زبانشناسی جدید یا دکارتی، دستورتجویزی مورد تأیید نیست و دستور به دو نوع «توصیفی» و «همگانی» تقسیمبندی میشود. در دستور توصیفی، قواعد یک زبان خاص کشف و توصیف میشود؛ اما در دستور همگانی اصول همگانی ساخت زبان بشر کشف میگردد. دستورهای نوین برخلاف دستورهای سنتی توصیفی هستند و به توصیف توانش زبانی سخنگویان یک جامعه زبانی میپردازند.

دستورنامه پنج استاد دستور مشهور فارسی که در سال های متوالی منابع آموزشی مورد اقبال در رشته زبان و ادبیات فارسی بوده است، کاستی های قابل اعتنایی دارند عمده نقص ترین های این دستورنامه در بحث اسم و گروه اسمی است. مهمترین ترین نتیجه این تحقیق این است که هنگام نگارش دستور نباید از زبان و رابطه آن با تفکر و جامعه غافل بود. باید در صدد کشف و بیان علت یا علل وجودی پدیده ها ی زبانی بود و ارتباطهای گوناگون صوتی و معنایی و دستوری بین آنها را در نظر داشت.

و امید است در آینده دستور هایی علمی با تعاریفی جامع و دقیق و مفید به رشته تحریر در آید.

منابع و مراجع

- [۱] انوری، حسن، ۱۳۸۱، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۴، تهران، نشر سخن، چ اول.
- [۲] باقری، مه‌ری، ۱۳۷۷، مقدمات زبانشناسی، نشر قطره، تهران، چ دوم.
- [۳] پورجوادی، نصرالله، در باره دستور و ترجمه، تهران، نشر فرهنگی.
- [۴] خانلری، پرویز، ۱۳۸۲، تاریخ زبان فارسی، نشر نو، تهران.
- [۵] خانلری، پرویز، ۱۳۷۴، تاریخ زبان فارسی، نشر توس، تهران، چ چهارم.
- [۶] خیام پور، عبدالرسول، ۱۳۸۴، دستور زبان فارسی، نشر ستوده، تبریز.
- [۷] دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه، ج ۷، تهران، نشر دانشگاه، چ دوم.
- [۸] زینمی چینی، محمدحکیم، ۱۳۸۸، منهاج الطلب، محمدجواد شریعت به اهتمام ابوطالب میرعابدینی، نشر فرهنگی، تهران، چ اول.
- [۹] فرشیدورد، خسرو، ۱۳۸۲، دستور مفصل امروز، نشر سخن، تهران.
- [۱۰] قریب، عبالعظیم و همکاران، ۱۳۸۵، دستور زبان فارسی، نشر ناهید، تهران.
- [۱۱] قریب، عبالعظیم، ۱۳۶۳، پنج استاد به اهتمام استادان بهار، فروزانفر، همایی، یاسمی، تهران، انتشارات مرکزی، چ اول.
- [۱۲] قیس رازی، محمد، ۱۳۳۶، المعجم فی معاییر اشعار العجم، تصحیح و ترجمه سیروس شمیسا، تهران، نشر دانشگاه، چ اول.
- [۱۳] معین، محمد، ۱۳۷۷، فرهنگ فارسی، تهران، نشر امیرکبیر، چ بیستم.
- [۱۴] وحیدیان کامیار، تقی و عمرانی، غلامرضا، ۱۳۸۶، دستور زبان فارسی (۱)، تهران، نشر سمت، چ دهم.
- [۱۵] همایی، جلال الدین، ۱۳۲۲، دستور زبان فارسی، نشر فرهنگستان، تهران، چ اول.